

بسم الله الرحمن الرحيم

## یادآوری

از آنجا آغاز کردیم که خدای سبحان انسان را به عنوان خلیفه خودش خلق کرد که جامع جمیع اسماء باشد، انسان خلیفه الله آمد در زمینی که اسفل سافلین است، تا حرکتش را به سمت بی نهایت عالم وجود از مطلق استعداد آغاز کند، تا همه استعدادها را به همراه خودش قوس صعود به سوی خدای سبحان حرکت بدهد. در این حرکت انبیاء به عنوان راهنمایانی که این راه را رفتند از طرف خدای سبحان ماموریت هدایت انسان را دارند، و از درون هم از نظام فطرت و عقل انسانی کمک انبیا هستند.

در مقابل، شیطان و نفس اماره، تقابل و نبرد حق و باطل را شکل دادند که این نبرد حق و باطل از لحظه خلقت انسان که تمرد شیطان و سجده ملائکه بود، تا آخرین روزی که انسان روی زمین وجود دارد، ادامه دارد. هرچند گاهی غلبه با حق و گاهی غلبه با باطل باشد. و هرچند در نهایت ظهور، غلبه حق را آشکار آشکار نشان می‌دهد، اما غلبه مطلق حق بر باطل در قیامت است. که دیگر حتی آن زمینه های درونی باطل هم نباشد.

در همین زمینه بحث نبرد حق و باطل گفتیم تاریخ بشری از جهت نگاه الهی گلوگاه هایی دارد که این گلوگاه ها انبیاء و رسل هستند. انبیاء و رسل گلوگاه های تاریخ اند. تبیین تاریخ از منظر انبیاء محقق میشود. آنجاهایی که انبیاء ظهور و نهضتی را به پا کردند گلوگاه های تاریخ است. عظیم ترین این گلوگاه ها و گذرگاه های مهم، رسولان اولوالعزمند. با این نگاه، تاریخ به عنوان یک حقیقت واحد و یک انسان چند هزار ساله لحاظ میشود که آغازش از خلقت آدم است و تا زمان انتهای ظهور و ورود به قیامت ادامه دارد.

بزرگترین نبرد حق و باطلی که به عنوان مظهر تام حق و باطل در نظام مصداق نه مفهوم محقق میشود، جریان عاشورا است. این بزرگترین گلوگاه تبیین نبرد حق و باطل و مصداقی شدن نبرد حق و باطل بود. ( از جهت مفهومی، نبرد حق و باطل از زمان بعثت پیغمبر اکرم تبیین شد، اما مصداقا زمانی محقق شد که باطل در اوج خودش، با تمام ظهورات خودش و حق با تمام ظهورات خودش هرچند در یک جمع محدود، مقابل هم قرار گرفت) نبرد حق و باطل فقط نبرد اشخاص نیست. نبرد دو تفکر است.

هرگاه انبیاء قیام میکردند، در عین اینکه اختلافاتی حل میشد، اختلافات دیگری شکل گرفت. اختلافات قبلی اختلافات من های موهوم بود، اما اختلافی که در زمان انبیاء شکل میگرفت، اختلاف بر سر من عالی و من باطل بود، نه دو من

موهوم. اختلافات قبل از انبیاء و غیر از دوره انبیاء، اختلاف دو من موهوم است. این من مرز جغرافیایی، آن من مرز قبیله ای، آن من به تن نشسته، من حب جاه و ریاست، با هم اختلاف داشتند. مرزهای اختلافات، اختلافات من های موهوم بود. اما وقتی انبیاء قیام میکردند، اختلاف بر سر من واقعی و من موهوم بود. این اصطلاحات، تبیین دقیق تاریخ انسانی است.

بالاترین نبرد منِ عالی و واقعی و منِ موهوم در زمان عاشورا محقق شد. در عاشورا منِ عالی مصداقا با تمام شئونش ظهور پیدا کرد، و منِ موهوم هم به تمام شئونش تجلی پیدا کرد. منِ موهوم با تمام رذائل و خصائل زشتی که ممکن است برای بشریت اتفاق بیفتد، در زمان عاشورا تحقق پیدا کرد.

بعد از عاشورا جریان اربعین را مطرح کردیم. جریان اربعین به عنوان رسالتی است که جریان عاشورا را به ثمر رساند، و سنت پایداری را پایگذاری کرد. در روایت میفرماید از علائم مومن یکی زیارت اربعین است. مسئله اربعین، از همان اربعین اول مطرح میشود که از یکطرف جابر و عطیه و از طرف دیگری حضرت زینب سلام الله علیه و کاروان اسرا به کربلا رسیدند و این حرکت کاملاً حرکت معکوسی شد خلاف آن چیزی که رسانه های عظیم بنی امیه میخواستند. بنی امیه در کار رسانه ای آن دوره و تبلیغات خیلی قوی بودند. به سرعت میتوانستند یک مسئله را فراگیر کنند. لذا میبینید که وقتی امیر مومنان در کوفه شهید میشوند،

مردم شام میگویند مگر علی نماز میخواند. با اینکه بین شام و شهرهای دیگر مراودات بوده است. مثل جریان رسانه ای غرب علیه ایران.<sup>۱</sup> در زمان معاویه هم معاویه از جهت رسانه ای خیلی قوی بود. با مکر و حيله و نگاه رسانه ای و تبلیغاتی قدرت پیدا کرده بود. لکن با اینهمه خود جریان عاشورای امام حسین علیه السلام و اربعین ، یک رسانه بر علیه معاویه شد. حرکت دادن این کاروان در شهرها از آن حرکت هایی بود که نقشه ظالمین را به دست خودشان رسوا کرد. بنی امیه برای تحقیر اهل بیت ع این کاروان را حرکت دادند، ولی همین تبدیل به عزت و تبلیغ به نفع اهل بیت شد. هرجا این کاروان وارد شد، کاملاً نقشه مغلوب شد. این نشان میدهد که خدای سبحان از این حرکت یک چیز عظیمی را اراده کرده است. از همان ابتدا هرچه این کاروان حرکت کرد، تمام توطئه ها به سمت افشا شدن رفت. به طوری که مجبور شدند بعد از همان جریای شام ، کاروان را با عزت برگردانند. با همه تبلیغاتی که میکردند، دیدند آن روش اثر معکوس گذاشت، مجبور شدند که این کار را بکنند. که همین هم دوباره در نقشه الهی اثر خودش را گذاشت.

---

<sup>۱</sup> اینطور نیست که هرچقدر ارتباطات قوی تر باشد حتماً علم و آگاهی بیشتر باشد. گاهی جهل افزون میشود.

## اربعین، فرهنگ مهاجم

جریان اربعین ایجاد یک فرهنگ زنده مهاجم است. ما در طول تاریخ نگاهمان نگاه تدافعی بوده است، زیرا عمدتاً شیعه در تقیه و اقلیت بوده است. وقتی پیغمبر اکرم در مکه بود، خیلی شکنجه و سختی ایجاد شده بود، عده ای به پیغمبر اکرم ص گفتند اذن جهاد بدهید، ما کم هستیم، اما افتخارمان این است که شهید بشویم. این ها ما را با شکنجه و آزار از بین میبرند، بگذارید ما شهید بشویم. این آیه نازل شد که کَفُّوا ایدیکم و اقیموا الصلاة، الان دست نگه دارید. این صبر فعال است. صبر فعال در طول تاریخ شیعه یعنی صف هایشان را از دورن به هم مرتبط میکردند، اما پشتیبان هم بودند. تقیه این «کفوا ایدیکم» بود. تقیه صبر منفی نبود. صبر فعال بود. همانطور که در صدر اسلام که اقلیت بودند، اگر میخواستند قد علم بکنند چه میشد؟ مگر اینکه به مرزی برسد که مرز بین حیات ایمان و کفر باشد که جریان عاشورا محقق میشود. اما این جریان یک مبدئیتی ایجاد میکند و خودش از این به بعد وجهی برای حیات میشود.

جریان اربعین این صبر فعال را در یک حرکت تهاجمی و زنده، هم تهاجمی و هم زنده، در مقابل تمام فرهنگ های دیگر [علم میکند]. منتها این حرکت خزنده

و آرام بود تا اینکه دشمن به دست خودش، با تحریک این احساسات، با علم کردن داعش به عنوان نماد اسلام، پرشورتر و فعالتر کرد.<sup>۲</sup>

در جریان عاشورا و اربعین، مقابله و طراحی دشمن به گونه ای بود که از جریان اربعین جاماند. لذا جریان اسرا غلبه کرد و سرعت پیدا کرد به سرعتی که آن ها نتوانستند در مقابل این برنامه ریزی مناسب را داشته باشند. حتی درباره زمان ظهور دارد که «اصلح الله امر ولیه فی لیلۃ» خدا امر ظهور را در یک شب محقق میکند. یعنی تمام تدابیری که دشمن میخواهد بچیند در مقابل این، جا میماند. تشبیه به جریان موسی کلیم است که دنبال آتش رفت، در آن شبی که سرما بود و با زن و بچه اش در بیابان گم شده بودند، رفت آتش پیدا بکند بیاید تا راه را پیدا بکنند و گرم بشوند، یک دفعه مبعوث به رسالت شد. این سرعت سیر است. سرعت سیر باعث میشود خود انسان هایی که این مسیر را طی میکنند مبهوت شوند، مثل انقلاب اسلامی که وقتی پیروز شد، برای خود کسانی که انقلابی بودند، هم این پیروزی غیر قابل پیش بینی بود. باور نمیکردند که یک دفعه در سه روز، بیست، بیست و یک و بیست و دو بهمن رژیم شاه کامل سقوط کند. ضعف تدریجی و مرحله به مرحله را میپذیرفتند، عقب نشینی مرحله به مرحله

را میپذیرفتند، اما یک دفعه سقوط کامل را باور نمیکردند. آن هم نه با یک نیروی نظامی و کودتا، بلکه با یک حرکت مردمی و دست خالی. این جریان در طول تاریخ به عنوان یک فرهنگ دیده میشود.

جریان اربعین با این نگاه، صدور انقلاب اسلامی است. همچنانکه پیروزی انقلاب اسلامی از این سنخ بود، صدور انقلاب اسلامی، هم از این سنخ است. ابتدا در منطقه و ثانيا در جهان محقق شده است.

### **نیاز بشریت به فرهنگ اربعین**

امروز بشریت به این فرهنگ زنده مهاجم نیاز دارد. تقاضای جهانی شدن برای مردم در نگاه های مختلف ایجاد شده است. مردم دنبال درنوردیدن مرزهای جغرافیایی و من های موهومی برآمده اند که این من های موهوم به همه جا حد زده است. یعنی واقعا این تقاضا در وجود مردم هست. پس از جنگ های جهانی اول و دوم، نگاه ریخته شدن حدود تدریجا در همه جا ایجاد شده است. لذا سازمان های بین المللی توسعه پیدا کردند. جریان های سازمان های بین المللی پاسخی بود به تقاضای جهانی شدنی که برای مردم پس از جنگ های جهانی ایجاد شده بود. اما خود این سازمان های بین المللی یک حد بودند که در دست یک عده ای قرار گرفته بودند که هر طوری میخواستند، با اینکه ظاهرشان ظاهر بین المللی است، اما محدودیت هایی را ایجاد میکرد و نتوانست

پاسخ بدهد. الان جریان راست افراطی که در غرب دارد رشد میکند در مقابل ناامیدی از حرکت جهانی است. یعنی قهقرا و رجوع به قبیله گرایی و جاهلیت. راست افراطی یعنی قبیله گرایی، نژاد پرستی، فاشیسم، نازیسم. اینکه الان در انتخابات های غربی ها میبینید در انتخابات ها راست های افراطی برنده میشوند. اتحادیه اروپا یک پاسخی بود به مرتبه ای از جریان جهانی شدن، اما وقتی نتوانست موفق باشند و در مرزهای دیگری محدودیت ایجاد کرد، پاسخش الان شده است اینکه در انتخابات اخیر اتحادیه اروپا، راست های افراطی عمدتاً پیروز شدند در کشورهای اصلی شان مثل آلمان و فرانسه.

### **فروپاشی من های موهوم در اربعین**

جریان اربعین شکستن مرزهاست، آن هم تمام مرزهای موهوم و اتحاد بر یک مرز یعنی مرز نگاه دینی، عبودیت، توجه به خدا. نه جغرافیا، نه زبان، نه قبیله و قومیت، همه این مرزهای موهوم شکسته میشود.

دو ملتی که جنگ هشت ساله با هم داشتند، از این طرف این همه شهید داده شده، از آن طرف آن همه کشته داده شده است. بالاخره این خون هایی که ریخته شده است، نفرت ایجاد میکند. اما جریان اربعین کینه و دشمنی بین ملت ایران و عراق را به سرعت از بین برد. آنقدر جریان اربعین سیل آساست، که همه نفرت هایی که ایجاد شده بود و جا داشت سال ها ادامه داشته باشد، را از



بین برد. آنها به عنوان تهاجم عربیت و من موهوم عربیت آمده بودند اینجا را فتح بکنند، اما با اربعین، نه فقط نفرت برداشته میشود، بلکه تبدیل به وحدت و محبت میشود. این تبدیل این فقط در اکسیر امام حسین علیه السلام که یبدل الله السيئات بالحسنات امکان پذیر است. به غیر از این هیچ چیزی نمیتوانست همچنین مرزی را به این سرعت و شدت تغییر بدهد. این تغییر خودش قابل تحلیل است. یعنی دشمن ما باور کرده بود که با این جنگی که ایجاد شده است، مرز خونینی اینجا ایجاد شده است که رابطه ایران با آنسوی مرزهای عراق کاملاً قطع است و مقاومت به هم نمیرسد. اما دیدید که این مرز درنوردیده شده است. این از جریان امام حسین علیه السلام است. حب الحسين يجمعنا است. این فرهنگ یک فرهنگ است.

### **اربعین و اقتصاد توحیدی**

اربعین برای خودش اقتصادی ندارد. اما زیرساخت اقتصاد را دارد. یعنی بنای تفکر یک اقتصاد را دارد. اقتصادی که بر اساس تعاونوا علی البر و التقوی است. دو نگاه اقتصادی را زیر سوال برده است: اقتصاد دولتی و اقتصاد منفعت طلبی خصوصاً یعنی دولت ها آنجا کاره نیستند. مردم کار میکنند. اقتصاد منفعت طلب خصوصی هم نیست که کسی اینجا سرمایه گذاری بکند که از قبلش سود و منفعتی ببرد. منفعت مادی در مقابل این سرمایه گذاری نیست.

کسی میگفت من چند سال می آمدم و خرج میکردم، با یقین به اینکه روایات فرموده که کسی در راه امام حسین علیه السلام سرمایه گذاری بکند، چند برابر ب جزا داده میشود و میدیدم، اما بعد از چند سال گفتم خدایا من جزای مقابل مادی نمیخواهم، من خود حضرت را میخواهم، چه جزای مادی باشد چه نباشد. این یک نگاه و یک تفکر است. زیرساخت تفکر یک اقتصاد را برنامه ریزی میکند . تمام آن ساختار و تفکر ساختاری اقتصادی که بر اساس منفعت طلبی یا دولتی باشد را به هم میریزد.

اربعین بر اساس تعاونوا علی البر و التقوی است. تعاون است. میتواند کم کم ساختار بر این مبنای تفکر پیدا بکند. لکن این ساختار هنوز بسیط است. میتواند فرهنگ اقتصاد در طول این یکهفته به سال تبدیل شود. سال به سال ها تبدیل بشود و یک ساختار مستقر پدید آید. نه یک ساختار موقت.

در نظام اخلاقی، در نظام فرهنگی، در نظام اعتقادی، هم زیرساخت دارد. وقتی این زیرساخت ها و علائم اصلی و نگاه های اصلی اش تحلیل شود، معلوم میشود همه این ها بر محوریت امام شکل میگیرد. این یک ساختار اعتقادی مصداقی است که تمام رفتار و گفتار و اعتقاد و اخلاق انسان بر اساس ارتباط با امام شکل بگیرد. این کاملاً اعتقادی است. نظام توحید ولایی کاملاً مجسم شده است.

نبرد حق و باطل، حرکت به سمت وحدت بود. و حرکت به سمت وحدت یعنی همین که حرکت به سمتی میشود که قوای وجودی انسانها همه در یک مسیر قرار میگیرند.. یعنی در ابتدا قوای وجودی انسان در یک مسیر قرار میگیرد که از درون، نزاع های درونی خودش برطرف میشود، و بعد از بیرون نزاع های بیرونی هم به سمت وحدت میرود.

### **اربعین؛ سیطره بر مجاز و فضای مجازی**

حرکت اربعین میتواند مقابل تمام قدرت رسانه ای غالب قاهر غرب قرار بگیرد. در عصری که سلطه مجازی و شبکه های مجازی خودش را به عنوان واقعیت مینمایاند، واقعیت اربعین ظهور میکند که زندگی در یک زیست واقعی و واقعی ترین زیست است، جدا شدن از هر عرصه مجازی است. یعنی اینطور نیست که در اربعین در شبکه مجازی برود. در متن واقعه است. گرسنگی اش، تشنگی اش، گرمی اش، سردی اش، همراهی اش، تعاونش، اخلاقش، همه اش در متن واقع است.

جریان اربعین یک پاسخ قوی در مقابل حرکت مجازی است. حرکت مجازی دل ها را تسخیر کرده است. وقتی حرکت مجازی دل ها را تسخیر میکند، فرهنگ مبتنی بر این هم غالب میشود. در مقابل این، اربعین به عنوان یک حرکت عینی میتواند مقابله ایجاد بکند.

اربعین حرکت سیل آساست. سیل وقتی حرکت میکند، هرچی جلوییش قرار میگیرد، نه فقط میکند میبرد، همان هایی که کنده شده است قدرت این سیل میشود. طوفان وقتی سر راهش میرسد، اشیاء را از جا میکند، آن ها هم قدرت طوفان میشوند.

حرکت های دشمن بر اساس یک برنامه ریزی دراز مدت است برای آن چیزی که میدانند میخواهد محقق بشود. آنچه که ما داریم ولی باورمان بهش مفهومی است، دشمن به آن باور مصداقی دارد. یعنی آن ها ظهور را واقعی میبینند، برای مقابله با ظهور حرکت انجام میدهند. در صدر اسلام آنچه که یهودی ها از پیغمبر میدانستند و میشناختند و قابل پیش بینی بود برایشان بالاتر از آن چیزی بود که مسلمان ها میدانستند. شاید شما باور نکنید. تعبیر قرآن است. «يعرفونه كما يعرفون ابنائهم.» مثل اینکه بچه شان را تار و پودش را میشناسند، پیغمبر را اینطوری میشناختند. امروز جریان ظهور را هم بهتر از ما میشناسند «يعرفونه كما يعرفون ابنائهم.» برای جریان ظهور دارند نقشه میکشند. باورشان شده است که همچنین جریانی در کار است، باورشان شده است که تمام آن چیزهایی که در روایات آمده است محقق شدنی است. آن هایی که ما باورمان نیست، آن ها که برای ما خوش آیند ، اما باور نیست. لذا به عنوان یک نیرو به آن نگاه نمیکنیم. برنامه ریزی برایش نداریم. فکری برایش نکردیم که چگونه در تحققش تسریع

بکنیم. ولی آن ها فکر میکنند برای اینکه کندش بکنند، اما این سیل آنقدر عظیم است، هر فکری که آن ها میکنند و هر تدبیری که انجام میدهند، نه فقط این کار را کندتر نکرده است ، بلکه این ها جزء قدرت ها و توانایی های این سیل قرار میگیرد. یعنی کنده میشوند، نه تنها کنده میشوند و از بین میروند، بلکه جزء قدرت های این قرار میگیرند.

این ها میخواستند نبرد را از بین ببرند. یک نبرد عالی را اما احیاء کردند. اربعین برای نبرد خط و مرز نشان داد. چنانچه در جریان امیر مومنان علیه السلام که جنگ بر سر تاویل صورت گرفت و مرزهای دین روشن تر شد، زمان پیغمبر جنگ بر سر تنزیل بود، نبرد بین اسلام و کفر بود. در زمان امیر المومنین جنگ بر سر تاویل بود، نبرد بر سر مرزهای حقیقی اسلام حقیقی با اسلام غیر حقیقی بود، اسلام ناب با اسلام غیر ناب بود. در جریان داعش همین مرزها پررنگ تر شد. این ها میخواستند مرزها کمرنگ تر بشود. این ها میخواستند یک اسلام رحمانی جایگزین شود، ولی برعکس شد. جریان عاشورا و اربعین باز همینجا به داد رسید.. جمعیت متراکم تر شد. در عین حالت رحمت و رافت را هم کاملاً متجلی کرد.

جریان اربعین کمال رفت بین مومنین و کمال عداوت با دشمن است. یعنی نه فقط تسلیم نشدند، بلکه اینجا خودش آن سیلی شد که این ها را کند و جزء خودش کرد و با قوت و توان بالاتری حرکت کرد.

### **تاکتیک دشمن در برابر اربعین**

دشمن در مقابل اربعین به ظاهر سکوت کرده است. اما این ظاهر سکوت از دو علت ممکن است نشأت گرفته باشد. یکی اینکه جریان اربعین را شناخته باشد و لذا حساس نشده باشد. این ساده نگری است. اینطور نیست. علت دیگر آن است که اربعین را شناخته باشد و عظمتش را هم فهمیده باشد. اما این خود این فرض این به سه شاخه تبدیل میشود:

- یکی اینکه میبیند قدرت مقابله ندارد.
  - یکی اینکه نقشه میریزد، اما نقشه هایش جا میماند. تا میخواهد نقشه ریزی اش را به مرحله عمل برساند، اربعین یک مرحله جلوتر رفته است.
  - یکی اینکه میدانند و تجربه کرده است که هر نقشه ای که میریزد، این اینقدر عظیم است، این را از سنخ خودش میکند و تهاجمی تر میشود. لذا سکوت کرده است فعلا تا از تهاجمی تر شدن این جلوگیری کند.
- هر کدام از این سه احتمال که باشد، نشان قوت اربعین و ضعف دشمن است. اما دشمن حتما، حتما یک جنگ احزاب در مقابل اربعین دارد. چون

تا یک جایی میتواند سکوت کند، یک جایی میبیند تمام ارکان فکری او را زیر سوال میرود و تهاجم خیلی شدید شده است. حیات و مماتش وابسته به جنگ احزابش است. همه با هم در مقابل اربعین قیام خواهند کردند. این را دور نبینید. و برای آن روز ما باید برنامه داشته باشیم.

حتی ممکن است جنگ رسانه ای علیه این جریان کند یا ایجاد یک مانعی که قدرت جهانی را بسیج بکند. همچنان که علیه ایران به عنوان یک فرهنگ و تمدن این کار را میکند. اگر شکل تمدنی و تهاجمی اربعین قوی تر شود، حتما بدانید سیل جنگ احزاب در مقابل او قوی تر از آن چیزی هم خواهد بود که در مورد ایران ایجاد کردند. چون فقط کشورهای غربی نیستند که خودشان را در خطر میبینند. بلکه تمام حاکمیت ها اینطور خودشان را در خطر میبینند. تمام حاکمیت هایی که بر اساس نظام عدل و ولایت برپا نشده است، از مسلمان و مسیحی و یهودی و سکولار، تمام این ها پایه شان با این نگاه ویران است و متزلزل است. از ترکیه گرفته است که دم از اسلام ظاهری میزند تا کشورهای دیگر، همه در مقابل اربعین جنگ احزاب راه می اندازند که شاید از آن طلیعه های جریان ظهور و لایه های عمیق ظهور باشد.

## اربعین و انقلاب اسلامی

جریان اربعین یک تمدن است، یک تفکر است، آغاز یک تمدن است، که زیرساخت هایش را فراهم میکند تا به ساختار برسد. قطعا این نگاه تفکری و تمدنی مقابله جدی تری از مقابله با انقلاب اسلامی را خواهد داشت. انقلاب اسلامی کشوری بود، اربعین منطقه ای است. یعنی مرحله دوم جریان انقلاب اسلامی، جریان اربعین است که اربعین جریان انقلاب اسلامی را منطقه ای میکند.

یکی از ارکان اساسی حفظ اربعین، حضور دائم ایران است؛ نه به عنوان یک مرز جغرافیایی، بلکه به عنوان یک تفکر شیعی که تحت رهبری و ولایت قرار داد.

آقا توجه خاص به اربعین و حساسیت آن دارند، مثلا وقتی موکب های ایرانی داشتند آنجا به شدت رواج پیدا میکردند، آقا به مسئولین موکب های ایرانی گفتند سعی کنید مهمانداری را از عرب ها نگیرید. میزبانی آن ها را حفظ بکنید. این خیلی خط را عوض کرد. اگر ایران میخواهد مهمانپذیر باشد، با مشارکت عراقی ها باشد. آقا پیغام دادند که عکس نبرید. یک دوره در جریان اربعین نزاع بین عکس های مراجع در راه ها بود. بلافاصله تدبیر کردند که عکس شهدا را بنزید. زدن عکس شهدا غائله را خواباند. هیچ چیزی نمیتوانست این را بخواباند.



هرچی میخواستی بگویی عکس زنید، میگفتند عکس مراجع است. عکس شهدا که آمد توانست جریان آن ها را بخواباند.

دشمن دنبال این بود که جریان اربعین به یک منسک و یک عبادت منتهی بشود. مثل حج که یک منسک و یک عبادت است نه امری سیاسی. امام این همه سعی کرد که حج را سیاسی بکند اما نگذاشتند. یک منسک و عبادت مانده است و خطری هم ندارد. هر اندازه جمعیت در حج جمع شوند خطری برای اسرائیل و برای آمریکا ندارد. اسرائیل تنش به لرزه نمی افتد که دوباره ایام حج رسیده است. در روز قدس تنش به لرزه می افتد، اما در ایام حج میرسد تنش به لرزه نمی افتد. در حالی که دشمنان اسلام باید از ایام حج از مدت ها قبلش تا مدت ها قبلش پس لرزه و پیش لرزه داشتند. اما چون برائت از مشرکین نمی بینند ترسی ندارند. این ها دنبال این بودند که جریان اربعین را تبدیل به یک منسک یک عبادت، یک گریه بکنند. در اینصورت خطرناک نبود. هر چقدر هم عظیم بود مانعی نداشت. اما جریان اربعین را خودشان به دست خودشان به نبرد حق و باطل تبدیل کردند. یعنی تبدیل شد به جریان زنده هل من ناصر ینصرنی. تبدیل شد به جریان زنده لبیک یا حسین. تبدیل شد به عرصه مقابله با داعش به عنوان یزیدیان، با آمریکا و استکبار و اسرائیل به عنوان مادران و پدران داعش.

## **اربعین؛ زیستن در آغوش ولایت**

اربعین تحقق ولایت و امامت در مصداق است. یعنی انسان در این مسیر، در مسیر امامت قرار میگیرد. در زیست امامت قرار میگیرد. با امام زندگی میکند. نه اینکه فقط میشنود. تا مرز شهادت هم حاضر است برود. تا مرز تحمل دوری از زن و بچه و سختی و آزار و تحمل مشاق و ... حاضر است برود. این ها خیلی زیباست. این ها را کم نگیریم. میدانید این ها چقدر عظمت ایجاد میکند. کسانی که مینشینند تحلیل میکنند و واردند میفهمند چقدر این محبت ایجاد حرکت کرده است. چقدر دین در حرکت، فرهنگ در حرکت، عبادت در حرکت، منسک در حرکت، آیین در حرکت، با این نگاه، این ها خیلی عظیم میشود.

## **اربعین و جهانی شدن**

جریان اربعین خلق الگوهای جهانی در همه عرصه ها است. در عرصه هنر، در عرصه اخلاق... یعنی ما پاسخ به جریان جهانی شدن را با جریان اربعین میتوانیم به راحتی ایجاد کنیم. بگوییم نمونه محقق شده است که مرزهای جغرافیایی و قومی و قبیله ای درنور دیده شدند و قبول و تحقق یکپارچه شدن محقق شده است در این منطقه. یعنی یک الگوست برای جهانی شدن.

غربی ها در عرصه جهانی شدن مانده اند. زیرساخت های جهانی را آن ها مادی و بر اساس تمدن غربی معنا میکنند. بر اساس نظام انسانی که بشر است تعریف میکنند.

اما جریان اربعین زیرساخت جهانی شدن را بر اساس انسان مطلق، انسان تابع امام، انسانی که به سمت مطلق حرکت میکند، تعریف میکند. این خیلی تعبیر عظیمی است. اصلاً یک نگاه دیگری ایجاد میکند. یک الگو ایجاد میکند. منحصر به این مدل هم نمیشود. ما با نگاه جهانی شدن نماز میخوانیم، اینکه همه به سمت یک قبله می ایستند و نماز میخوانند، همه هر کجای عالم هستند، به سمت یک قبله نماز میخوانند، این یک مدل جهانی شدن زیبایی را ایجاد میکند. یک قدرت جهانی شدن زیبایی را ایجاد میکند. بعد میبینید در عبادات، همه با هم در یک ماه روزه میگیرند. این یک مدل جهانی شدن را ایجاد میکند. تمرین جهانی شدن است

اگر توانستیم مدل جهانی جریان اربعین را خوب تصویر کنیم، زاینده و نتیجه اش نگاه جهانی به تمام مناسک دیگر و اخلاقیات دیگر و اعتقادات دیگر میشود. عظمت اربعین این است که بزرگترین جمعیت دینی در نا امن ترین کشورها محقق میشود. روزی نبود که انفجارهای مهم با صد یا دویست کشته نباشد.

یک حرکت عظیم میلیونی در چند مسیر طولانی غیرقابل کنترل مسیر جاری است. این خودش یک معجزه است.

اربعین باعث تثبیت عراق شد. اگر میبینید عراق از سلطه وهابیت، سلطه استکبار، سلطه بعث خارج شد، به خاطر اربعین است. کسانی که تحلیلگر بودند، میگفتند هیچ امید و روشنی برای جریان عراق نیست. از بس که تشنه و تفرق و تعصب های قبیله ای مختلف زیاد بود. مثلاً در لبنان تعصب های قبیله ای اینقدر نیست. زیست مسالمت آمیز بیشتر است. اما در عراق تعصب های قبیله ای خیلی زیاد است. زیست مسالمت آمیز کمتر امکان پذیر بوده است. همیشه دایره مدار تنش های اخلاقی و قبیله ای بودند. اما خدای سبحان به برکت اربعین امنیت ایجاد کرد.

این امنیت در ایام دیگر توسعه می یابد. این سازوکار برای زمان های دیگر توسعه پیدا میکند. جریان مسیر حرکت اربعین اولین مسیرهایی بود که به امنیت رسید. بعد توسعه پیدا کرد. از جهت تمدنی هم همینطوری است. لذا تمدن آخر الزمانی مرکزش کوفه است. از آنجا آغاز میشود. اگر با این نگاه جلو برویم، افق آینده را با این نگاه خیلی امیدوارانه تر میبیند.

سوال: جاذبه های داعش را چطور باید دفع بکنیم؟ از اورپا و ترکیه که زندگیشان عادی است، جوانها میروند که بنیادگرایی آن ها را در جهاد پیدا بکنند. اربعین

هم جهاد است، ولی یک جهادی که در آن محبت و وفاداری و ایثار درش ظهور و بروز میکند.

پاسخ: هر چقدر استکبار ستیزی جریان اربعین قوی تر بماند، جاذبه اش بیشتر میشود. مقابله با ظلم میل فطری در انسان است. اگر درباره زمان ظهور گفته شده « یملا الله الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا»، یعنی استعداد زمان ظهور استعداد ظلم ستیزی است. جاذبه امام زمان جاذبه ظلم ستیزی و استکبار ستیزی است.

اگر رویکرد ظلم ستیزی جریان اربعین کمرنگ نشود، اگر جریان عدالت طلبی اش کمرنگ نشود، به یک منسک و عبادت فقط تبدیل نشود، جاذبه اش بیشتر میشود. اگر اشداء علی الکفار باشد، جاذبه اش در مقابل داعش شدیدتر میشود. چون کسانی که در داعش جذب میشوند، به لحاظ (رحماء بینهم) نیست، بلکه به لحاظ (اشدء علی الکفار) است. روحیه انتحاری و آماده بودن برای نبرد و ... مربوط به اشداء علی الکفار است.

هر چقدر بینش ها قوی تر بشود، سرعت سیر شدیدتر بشود، حتما فاصله نزدیکتر میشود. بین مومنین هر چقدر میتوانیم شرح صدر بیشتر باشد و نسبت به تبیین مرز کفار و مشرکین هر چقدر میتوانیم تبیین بیشتر و مرزبندی دقیق تر داشته باشیم. در اختلافات قبیله‌گی و جغرافیایی و من های موهوم، تحمل و

صبرمان را طوری ببریم بالا که حواسمان جمع بشود و یک طرف معرکه نیفتیم . در عین اینکه عقلانیت به خرج میدهیم و فعال هم برخورد میکنیم نه منفعل، در عین حال هر چقدر انس مومنین بینهم شدیدتر بشود، اشداء علی الکفار هم شدیدتر بشود، این مرزها پررنگ تر میشود، جنگ احزاب سرعتش بیشتر میشود. آن ها تا وقتی از درون میتوانند این ها را به هم بریزند، به جنگ احزاب بیرونی دست نمیزنند. تا وقتی که امید دارند به اختلال مرزهای داخلی و پررنگ کردن و شعله ور کردن اختلافات درونی، به جنگ احزاب بیرون دست نمیزنند. لذا الان اگر ساکتند، هنوز امید دارند به من های متوهم که میدانند این ها خاموش نشده است، هست. پارسال تدابیری را پیش آوردند قبل از جریان اربعین ولی نگرفت. حتما الان هم در جریان هستند و این دو سه ماه حتما یک کارهایی میکنند.

در خبرها از داخل ایران دیدم که خانمی گفته بود تا عنوان نبرد حق و باطل، هست، ما برای مقابله با جمهوری اسلامی و اسلام موفق نمیشویم. باید گفتمان نبرد حق و باطل را از بین ببریم. وقتی نبرد حق و باطل گفتمانش از بین رفت، در هم ریختگی باعث میشود مرزهای دین از بین برود. این خیلی حرف سنگین و دقیقی است. این از یک تفکر با پشتوانه نشأت میگیرد که یک فرد جاهلی جاهلانه نقشه را آشکار کرده است.

با حرکت انبیاء نبرد حق و باطل پررنگ تر میشود. اختلاف بین حق و باطل مرزهایش پررنگ تر میشود. جریان اربعین باید به این سمت حرکت بکند که نبرد حق و باطل و اختلاف بین حق و باطل پررنگ تر بشود. هرچقدر (رحماء بینهم، اشداء علی الکفار) پررنگ تر بشود ایمن تر هستیم.

بنیان مرصوص دو جهت دارد. یکی دشمن شناسی قوی، یکی دوست شناسی قوی. اگر دوست شناسی قوی نباشد، اختلال از درون است. اگر دشمن شناسی قوی نباشد، تیرها به اطراف پراکنده است، متمرکز به یک جهت نیست. مرصوص نیست. غیر قابل نفوذ نیست. خیمه معاویه و استکبار معلوم نیست. به سمت خیمه های مختلف حرکت میشود. پس هم دشمن شناسی باید قوی تر بشود، هم دوست شناسی. این باعث میشود که اربعین محفوظ تر بماند.

سوال: اربعین بازتاب جهانی ندارد.

پاسخ: دارد. شما بازتاب جهانی را در رسانه های مجازی و ... نبینید. بازتاب جهانی اش در پمپاژ یک خونی است که یک عده ای می آیند و برمیگردند. سوال: مگر چقدر از کشورهای مختلف می آیند.

پاسخ: همین مقداری که می آیند را ببینید، هر نفری که می آید ده نفر اقلاً با این ارتباط برقرار میکنند، اثر میگیرند. این تکلم برایشان ایجاد میشود. شما فقط کسانی که آنجا حاضرند را نبینید. رابطه واقعی میخواهد جانشین فرهنگ مجازی

بشود. میدانید این چقدر طول میکشد. الان غرب با تمام قدرت رسانه ای اش اربعین را بایکوت کرده است که این نماد پیدا نکند، ظهور پیدا نکند. اما روز به روز دارد جمعیت بیشتر میشود. با همه هزینه و سختی و مشقاتی که دارد. این یعنی توسعه فزاینده. در فضای مجازی اگر دو سه میلیون طرفدار بیاید پشت کسی، هزینه ندارد، یک شصتی فشار دادی. اما یک نفر می خواهد اضافه بشود باید چقدر هزینه بکند؟ وقت بگذارد، پول بگذارد، بقیه را راضی بکند، آن ها را درگیر بکند. میدانید این چقدر هزینه دارد؟ چقدر تحمل میخواهد و فشار می آورد. لذا هر یک نفری که اضافه میشود معلوم میشود خیلی همراهی ایجاد شده است. اینطوری ببینید. تحلیل ها را با منظر غربی نکنید که چند هزار نفر طرفدار و لایک دارد. اینطوری نیست.

سوال: مشابه اربعین جریانی در هند هست، جریان چند میلیونی که آن ها هم یک پیاده روی دارند...

پاسخ: آن حرکت ، فزاینده نیست. یک توقف دارد و روی آن حرکت میکند. اما اربعین یک حرکت فزاینده و تاثیر گذار و فرهنگ ساز است. آن فرهنگ ایجاد نمیکند. اربعین سال به سال فرهنگ مهاجم است. آن فرهنگ مهاجم نیست. آن مثل حج است که سالیانی حج باشد. ضرری هم نمیزند. برای هند مثل حج میماند. یک منسک است. اما این یک فرهنگ است. خیلی تفاوت میکند.



منسکش هم در فرهنگ ظهور کرده است. آن منسک هم با این فرهنگ است. این ها خیلی متفاوت است.

## اشارات:

• دشمن بعد از انقلاب اسلامی به عنوان کپی برداری از انقلاب اسلامی و شهادت طلبی، الگوی القاعده و طالبان را در افغانستان بنا کرد. به عنوان یک حرکت انقلابی که ربطی به انقلاب اسلامی و نگاه و تفکر شیعی نداشته باشد. طالبان نقش حاکمیت و القاعده نقش نیروی نظامی داشته باشد. (القاعده قبل از اینها بود و در مقابل شوروی آن را علم کردند که نحله ها و مجاهدین مختلف را از کشورهای مختلف جمع کردند در افغانستان تا در مقابل شوروی آن دوره بجنگند)

ولی در برابر انقلاب اسلامی نتوانست موفق باشد. زیرا سرعت انقلاب به قدری بود که هر مرحله ای برایش نقشه میکشیدند انقلاب یک مرحله جلوتر رفته بود.

نظام استکبار بعد از عدم موفقیت طالبان و القاعده، داعش را ایجاد کردند تا در مقابل جریان صدور انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی، نفرت نسبت به مسلمانان و اسلام را زیاد بکند. اما خودشان گفتند جریان داعش باعث شد که نگاه ها از اسلام وهابیت به اسلام شیعی سوق پیدا بکند. ما

میخواستیم در جهان اسلام را به عنوان اسلام شیعی عرضه بکنیم ، به عنوان اسلام ولایی که چه علائمی دارد، این ها به دست خودشان با علم کردن داعش و خرج کردن و سرمایه گذاری باعث شدند رویکردها و نگاه ها، نفرت ها نسبت به اسلام وهابی جلب شود. اسلام وهابی که برای این ها خطر نداشت. اسلام وهابی که در دست این ها بود. در حقیقت نفرت نسبت به خودشان ایجاد کردند. نفرت به زاییده و متولد خودشان ایجاد کردند. ما چقدر باید خرج میکردیم تا کاروان اسرا را در شهرها بچرخانند تا این ها بتوانند حرف بزنند؟ کجا میشد این کار را کرد؟ اما خودشان به دست خودشان چرخاندند. امروز هم همین کار را کردند. با جریان داعش همین کار را انجام دادند. جریان داعش به عنوان یک خلافت جهانی اسلام که میخواستند بوی ظهور بدهد، و نفرت نسبت به ظهور ایجاد بکند. (در برخی فیلمهای آخرالزمانی هم این کشتارهای قبل ظهور نمایش داده شده است. . اساسش را بر عنوان خلافت و امامت قرآنی گذاشتند که جریان ظهور را به این منصرف بکنند .

نگاهشان این بود که مسلمان هایی که در مقابل جریان داعش مسلمان میمانند، یا تسلیم میشوند، دیدید که هر جایی که رفتند خیلی ها تسلیم شدند، یا برای اینکه خودشان را تبرئه بکنند به اسلام رحمانی روی می

آورند. اسلام رحمانی که داعیه بعضی هاست، زاییده تقابل فکری با داعش است به این عنوان که افراط آن ها را با تفریط جواب بدهند. اسلام رحمانی یعنی اسلامی بی خطر، کبریت بی خطر. اسلام بی خطری که هیچ بغضی در آن نیست. اسلام بی خطری که هیچ نبرد با باطلی در آن نیست. اما یک دفعه جریان داعش تبدیل به جهاد علیه داعش شد. خون دادنی که خودش یک دفاع است، یک جهاد است، یک نبرد است. چون این ها میخواستند نبرد را از بین ببرند.

---

- یکی از آفات مان این است که وقتی میخواهیم تمدن غرب را نقد بکنیم، با نگاه تمدن غربی، تمدن غرب را نقد میکنیم. حتی اگر پست مدرنیسم مدرنیته را نقد میکند، نقد از نگاه مدرنیته به مدرنیته است. نگاه غربی نگاه غربی را نقد میکند. ما نمیخواهیم تسلیم این بشویم.
- نقطه ضعف ناوگان بزرگ نظامی آمریکا در خلیج فارس، قایق های تندرو بود. قایق های تندرو در تعریف ناوگان نمیگنجید. لذا نه سلاح مقابله با او را داشتند نه قدرت مقابله با آن را. هنوز هم ندارند. با اینکه کلی تجهیزات جدید ایجاد کردند، هنوز هم جرات این کار را ندارند. چون میدانند کثرتش و تعددش و هوایی و زمینی و دریایی و زیردریایی بودن

این ها، قدرت این ها را محدود میکند. در نگاه تمدن غربی هم با آن سیطره ظاهری که در نظام حسی دارد، اگر بخواهیم از منظر خود آن با آن مقابله بکنیم مغلوبیم. اما غلبه ما در ساده سازی مسئله است. در پیدا کردن نقاط ساده ای است که در عین اینکه ساده است، ولی نقاط ضعف است.

-----

- استکبار دنبال این هستند که مرکزیت عراق را به دست بگیرند تا بتوانند اختیار این حرکت دستشان باشد و اول از همه پای ایران را از اینجا قطع بکنند. اگر پای تفکر ولایی شیعی از اینجا قطع بشود، آن موقع تصرف در منسک کردن اربعین برایشان ساده است. چنانچه وقتی عربستان حاکم بر حج است، منسک کردن حج، فقط یک منسک ساده عبادی محض، راحت است. قطعاً این را دارند. برای این نقشه های عمیق دارند.

ولی همین دفعه دیدید که خدای سبحان با تمام تدبیری که اینها اندیشیدند، با اینکه فراکسیون که مایل به عربستان بود، بیشتر از همه رای داشت از جهت اکثریت، ولی چون زیر پنجاه درصد بود، نتوانستند استفاده بکنند. چقدر نقشه کشیدند، چقدر ایجاد اختلال ها کردند، اما تمام نقشه های آن ها نقش بر آب شد. قبلاً ما مجبور بودیم در عراق در رده های مختلف تسامحات زیادی داشته باشیم. ولی این دفعه رئیس جمهورشان که از کردها است، طرفدار ایران است.

رئیس مجلسشان که از سنی هاست طرفدار مقاومت است. نخست وزیرشان هم طرفدار مقاومت است. (با محذورهایی که دارند، با همان حدی که در عراق امکان پذیر است.) ولی قبلا اینطور نبود. قبلا یک ترکیب درهمی بود، یکی به نعل یکی به میخ بود. این حرکت ساده ایجاد نشد. تدابیر آقا در زیباترین حرکت ها با همراهی آیت الله سیستانی توانست حرکت را به سمت حاکمیت مقاومت سوق بدهد. این ها واقعا در عراق برای تصرف دولت عراق، جنگ احزاب تشکیل دادند. اما موفق نشدند. اما ما تحلیل نکردیم که چگونه این اتفاق رخ داد. ما خیلی ساده به وقایع نگاه میکنیم. به فرمایش آیت الله بهجت آیا شد وقتی که شوروی از هم پاشید مقام شکر شما افزون بشود که خدای سبحان چه کرد؟ یک ابر قدرت لم داده روی سراسر ایران را که هرگاه هر اراده ای میکردند اینجا میتوانستند به سادگی از جهت وجودی و سلطه ظاهری ایجاد بکنند، خدا متلاشی کرد به طوری که همین ها الان محتاج به ایرانند. روسیه میداند منافعش به ایران گره خورده است و به این نگاه راهبردی رسیده است. اصلا این جریان ترامپ که آمده است از الطاف خفیه خداوند است. آقا فرمودند خدا کند همه رئیس جمهورهای آمریکا مثل این همینطور آشکار باشند. مثل آن قبلی نباشند که یک عده ساده لوح جاهل فکر کنند که این ها مهربانند و با ادبند و با اخلاقند. این ها همه نعمت های خداست. این ها همه بیدار کردن است. اگر ما دین را

اینطوری بیابیم، خدا را در صحنه ببینیم، میدانید انسان در محبت و ایمانش چقدر رشد میکند ؟

ببینیم امام زمان عج در صحنه است. جریان تدبیرهایی که دارد انجام میشود، اگر امام در صحنه حاضر بود و ما ایشان را میدیدی ولی بسط ید نداشت، اگر میخواست تدبیر بکند، همین تدبیرها انجام میشد. امام دارد تدبیر میکند. باور کنیم که امام دارد تدبیر میکند. امام ما حی است. امام ما فعال است. تماشاچی نیست. یک موقع انسان امام زمان را تماشاچی میبیند و غصه میخورد. میگوید امام زمان دارد غصه میخورد و فقط تماشاچی است. اینطور نیست. امام زمان حی فعال است. امام زمان در صحنه ها حاضر است. جلودار است. قلوب را به آن سمت سوق میدهد. بیدار میکند. حرکت ایجاد میکند. از هر استعدادی برای فعلیت استفاده میکند. اگر این باور را کردیم میدانید چقدر علقه انسان به امام زمان بیشتر میشود؟ باور به امام زمان بیشتر میشود، امید به امام زمان بیشتر میشود؟ ما این نگاه را نداریم.

جریان انقلاب اسلامی، جریان منطقه ای، جریان بیداری اسلامی، جریان منطقه ای شدن بیداری اسلامی، گره خوردن این حلقه ها به هم و وصل شدن این ها به هم یک کار عظیم امامی است که در صحنه است. قلوب را به هم متصل میکند. تدابیر را به این سمت سوق میدهد. اگر این باور را کردیم میبینیم که این

حرکت با پرچم داری امام زمان عج دارد انجام میشود و ما اگر تخلف کردیم یا کوتاهی کردیم یا غفلت کردیم، غفلت زیر پرچم امام زمان است. فقط نسبت به یک مسلمی کوتاهی کردن نیست. غفلت زیر پرچم امام مسلمین است.